

فقه فناوری اطلاعات و ارتباطات

حریم خصوصی

مستثنیات حکم حریم خصوصی

نظارت دولت بر عملکرد مردم

۸۰- جلسه نوزدهم

۹۴/۱/۲۷

۴-۳- نظارت ولی امر بر بازار

همچنین در روایاتی وارد شده که حضرت بر نحوه جای‌گیری فروشندگان در بازار نیز نظارت داشته و هر کس بر خلاف عرف آن زمان فضایی را در بازار اشغال می‌کرده دستور به تخریب آن می‌داده است. از جمله ابن زنجویه (م. ۲۴۱) در کتاب الاموال خود که در مباحث اقتصادی است آورده:

۱۲- حدثنا حميد أنا أبو نعيم، أنا يحيى بن أبي الهيثم، حدثني الأصبع بن نباتة، قال: خرج علي رضوان الله عليه إلى السوق، فإذا دكاكين قد بنيت. فقال: «ما هذه؟» فقالوا: هذه دكاكين رجال صنعوها يبيعون عليها. قال: فأمر بها فخربت. وقال: «إنما هذه الأسواق للأسود والأبيض، فمن سبق إلى مكان فهو مكان له إلى الليل»، فكنا نأتي الرجل في المكان قد كنا نبايعه فيه، ثم تأتيه من الغد فنجده في مكان آخر جالسا فيه.

حمید نام خود ابن زنجویه صاحب کتاب است که در صدر سند آمده، نام کاملش أبو أحمد حمید بن مخلد بن قتیبة بن عبد الله الأزدي و زنجویه لقب پدرش بوده و بسیاری از بزرگان اهل سنت او را توثیق کرده‌اند. ابو نعیم نامش احمد بن عبدالله اصفهانی (م. ۴۳۰) از بزرگان صوفیه و دارای کتب عدیده است و در حفظ حدیث زبان‌زد بوده، ابن خلکان او را از «اکابر الحفاظ الثقة» بر شمرده. یحیی بن ابی الهیثم نامش الهیثم بن حبیب الصیرفی است که شیخ طوسی او را کوفی و از اصحاب امام صادق شمرده است و در مدح او روایتی را شیخ مفید نقل کرده است. اصبع بن نباته نیز از بزرگان اصحاب امام علی علیه السلام بوده است. صدر سند عامی است ولی قرائن خوبی بر قبول روایت وجود دارد.

روایت دلالت دارد که حضرت به عنوان والی مسلمین به جهت صلاح‌دید حکومتی نه تنها در حریم خصوصی دیگران ورود کرده بلکه دستور داده تصرفات بازاریان را در مناطق عمومی یا راه‌های عمومی تخریب کنند.

۴-۳- نظارت ولی امر بر بازار

۱۳- أَخْبَرَنَا أَبُو بَكْرٍ: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحَارِثِ الْأَصْفَهَانِيُّ أَخْبَرَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ بْنُ حَيَّانَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ بُنْدَارٍ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الضَّبِّيُّ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ: مُحَمَّدُ بْنُ الْمُغِيرَةِ حَدَّثَنَا النُّعْمَانُ بْنُ عَبْدِ السَّلَامِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُبَارَكِ حَدَّثَنِي يَحْيَى بْنُ أَبِي الْهَيْثَمِ حَدَّثَنِي الْأَصْبَغُ بْنُ نُبَاتَةَ الْمُجَاشِعِيُّ: أَنَّ عَلِيًّا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ خَرَجَ إِلَى السُّوقِ فَإِذَا دَكَكَيْنِ قَدْ بُنِيتَ بِالسُّوقِ فَأَمَرَ بِمَا فَخَرَّبَتْ فَسَوَّيْتُ قَالَ وَمَرَّ بِدُورِ بَنِي الْبَكَّاءِ فَقَالَ: هَذِهِ مِنْ سُوقِ الْمُسْلِمِينَ قَالَ فَأَمَرَهُمْ أَنْ يَتَحَوَّلُوا وَهَدَمَهَا. قَالَ وَقَالَ عَلِيٌّ: مَنْ سَبَقَ إِلَى مَكَانٍ فِي السُّوقِ فَهُوَ أَحَقُّ بِهِ. قَالَ: فَلَقَدْ رَأَيْتَنَا نُبَايِعُ الرَّجُلَ الْيَوْمَ هَا هُنَا وَغَدًا مِنْ نَاحِيَةِ أُخْرَى.

هیچیک از افراد موجود در سند به جز اصبع بن نباته توثیقی در کتب رجال شیعه ندارند. شأن یحیی بن ابی الهیثم در حدیث قبل بیان شد، عبدالله بن مبارک از شیوخ اهل سنت است به سال ۱۸۱ وفات یافته و کتاب المسند از آن اوست. ابو محمد بن حیان نامش عبدالله بن محمد بن جعفر بن حیان معروف به ابو شیخ اصفهانی مؤلف کتاب الامثال فی الحدیث النبوی متوفای ۳۶۹ است. او عبدالله بن بندار بن ابراهیم را از عباد صالحین شمرده و گفته که به سال ۲۷۴ وفات یافته است. بنابر این، نقل روایت ابن حیان از او بدون واسطه در حالی که بین تاریخ وفاتشان حدود ۹۵ سال فاصله است مشکل می‌نماید. دلالت روایت شبیه روایت قبل است.

۴-۳- نظارت ولی امر بر بازار

مشابه این حدیث را علی بن حسن طبرسی (م. ق. ۶) نیز به طور مرسل نقل کرده است:

۱۴- مَرَّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَ عَلَى دُكَاكِينِ مَسْجِدِ سَمَاكِ فَأَمَرَ بِإِهْدَامِهَا فَهَدِمَتْ فَلَمَّا هَدِمَتْ بَنَوْهَا حَتَّى فَعَلَ ذَلِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَوَقَفَ عَلَيْهِ بَعْدَ الثَّالِثَةِ وَ هُمْ جُلُوسٌ عَلَيْهَا فَقَالَ إِذَا أَبَيْتُمْ فَعُضُّوا الطَّرْفَ وَ رُدُّوا الضَّالَّةَ وَ أَرْشِدُوا الطَّرِيقَ.

مسجد سماک نام مسجدی در کوفه بود که منسوب به شخصی به نام سماک بن مخرمه بوده دلالت روایت شبیه به روایات قبل است.

۴-۳- نظارت ولی امر بر بازار

دسته‌ای دیگر از روایات بر نصب یک ناظر از سوی ولی امر مسلمانان بر بازار دلالت دارد. از جمله روایتی است که حضرت فردی را که بر بازار اهواز منصوب شده و خیانتش ثابت شده دستور به تغزیرش می‌دهند.

۱۵- وَ عَنْ عَلِيٍّ ص أَنَّهُ اسْتَدْرَكَ عَلَى ابْنِ هَرْمَةَ خِيَانَةً وَ كَانَ عَلَى سُوقِ الْأَهْوَازِ فَكَتَبَ إِلَى رِفَاعَةَ إِذَا قَرَأْتَ كِتَابِي فَنَحِّ ابْنَ هَرْمَةَ عَنِ السُّوقِ وَ أَوْقِفْهُ لِلنَّاسِ وَ اسْجُنْهُ وَ نَادِ عَلَيْهِ وَ اكْتُبْ إِلَى أَهْلِ عَمَلِكَ تُعْلِمُهُمْ رَأْيِي فِيهِ وَ لَا تَأْخُذْكَ فِيهِ عَقْلَةٌ وَ لَا تَفْرِطْ فَتَهْلِكَ عِنْدَ اللَّهِ وَ أَعْزِلْكَ أَحَبَّتْ عُزْلَةٌ وَ أُعِيدُكَ بِاللَّهِ مِنْ ذَلِكَ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْجُمُعَةِ فَأَخْرِجْهُ مِنَ السِّجْنِ وَ اضْرِبْهُ خَمْسَةً وَ ثَلَاثِينَ سَوْطًا وَ طُفْ بِهِ إِلَى الْأَسْوَاقِ فَمَنْ أَتَى عَلَيْهِ بِشَاهِدٍ فَحَلِفْهُ مَعَ شَاهِدِهِ وَ ادْفَعْ إِلَيْهِ مِنْ مَكْسَبِهِ مَا شَهِدَ بِهِ عَلَيْهِ وَ مُرْ بِهِ إِلَى السِّجْنِ مُهَانًا مَقْبُوحًا مَنُوبًا وَ اخْزِمْ رَجُلِيهِ بِحِزَامٍ وَ أَخْرِجْهُ وَقْتُ الصَّلَاةِ وَ لَا تَحُلْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ مَنْ يَأْتِيهِ بِمَطْعَمٍ أَوْ مَشْرَبٍ أَوْ مَلْبَسٍ أَوْ مَفْرَشٍ وَ لَا تَدْعُ أَحَدًا يَدْخُلُ إِلَيْهِ مِمَّنْ يُلَقِّنُهُ اللَّدَدَ وَ يُرْجِيهِ الْخُلُوصَ فَإِنْ صَحَّ عِنْدَكَ أَنَّ أَحَدًا لَقِّنَهُ مَا يَضُرُّ بِهِ مُسْلِمًا فَاضْرِبْهُ بِالْذِّرَّةِ فَاحْبِسْهُ حَتَّى يَتُوبَ وَ مُرْ بِإِخْرَاجِ أَهْلِ السِّجْنِ فِي اللَّيْلِ إِلَى صَحْنِ السِّجْنِ لِيَتَفَرَّجُوا غَيْرَ ابْنِ هَرْمَةَ إِلَّا أَنْ تَخَافَ مَوْتَهُ فَتُخْرِجْهُ مَعَ أَهْلِ السِّجْنِ إِلَى الصَّحْنِ فَإِنْ رَأَيْتَ بِهِ طَاقَةً أَوْ اسْتِطَاعَةً فَاضْرِبْهُ بَعْدَ ثَلَاثِينَ يَوْمًا خَمْسَةً وَ ثَلَاثِينَ سَوْطًا بَعْدَ الْخَمْسَةِ وَ الثَّلَاثِينَ الْأُولَى وَ اكْتُبْ إِلَيَّ بِمَا فَعَلْتَ فِي السُّوقِ وَ مَنْ اخْتَرْتَ بَعْدَ الْحَائِنِ وَ اقْطَعْ عَنِ الْحَائِنِ رِزْقَهُ..

این روایت عجیب نشان دهنده صلابت حضرت در برخورد با خیانتکاران است و نشان می‌دهد حضرت نه تنها کسانی را، و لو با واسطه، بر بازار می‌گمارده که اوضاع را مراقبت کنند بلکه اگر خود این مراقبان مرتکب عمل خلافی می‌شدند به شدت با آنها برخورد می‌کرده است. نصب مراقبان و ناظران بر بازار خود نوعی دخالت در کار خریدار و فروشنده است که از سوی ولی امر مجاز است.

۴-۳- نظارت ولی امر بر بازار

نتیجه‌گیری: از مجموع روایات و شواهد تاریخی معلوم می‌شود که عادت امیر المؤمنین علیه السلام بر جلوگیری از انواعی از تخلفاتی بوده که مردم در بازار مرتکب شده‌اند. همچنین رفتار پیامبر صلوات الله علیه و علی آله نیز در نصب ناظر بر بازار چنین دلالتی دارد. بنابراین اگر معامله‌کنندگان مثلاً کالای قاچاق مبادله می‌کنند یا مواد مخدر موضوع معامله باشد و برای آن در حسابهای بانکی پولی مبادله می‌شود، حرمت حریم خصوصی مانعی برای ورود حاکم به حسابهای خصوصی نیست. چون در این مورد خاص حضرت امیر پیشگیری از تخلف معامله را مقدم بر حرمت حریم خصوصی دانسته‌اند.

همچنین از توصیه حضرت به رد خرمای کنیز استفاده می‌شود که لازم نیست که مدیریت بر بازار صرفاً در راستای واجبات و محرمات دیگر باشد بلکه حاکم می‌تواند حتی در اموری که اصلاح امور یا حقوق مردم است به حریم خصوصی معاملات مردم دخالت کند. از این امر استفاده می‌شود که حاکم می‌تواند برای توزیع عادلانه‌تر یارانه‌ها حسابهای مردم را طوری کنترل کند که به حذف بخشی از یارانه‌ی مردمی که دارای درآمدهای بالاتر هستند بیانجامد.

به عبارت دیگر می‌توان گفت اگر ورود به حریم خصوصی دیگران برای تنظیم بازار بدون اشکال باشد همچنین اگر ورود ولی امر مسلمین در مصادیقی چون تخریب خانه‌هایی که بر خلاف مصالح امت ساخته شده بدون اشکال باشد، ورود به حسابهای اشخاص برای توزیع مناسب‌تر و عادلانه‌تر یارانه‌ها، لااقل آن دسته از مردم که خود را مستحق دریافت از بیت المال می‌دانند، نیز به طریق اولی بدون اشکال است. حاکم وظیفه دارد که افراد مستحق را از غیر مستحق و کمتر مستحق بازشناسد و بیت المال را در محل خود هزینه کند.

نکته: البته باید توجه داشت که مراجعه به حساب‌های بانکی با هدف تمییز مستحق از غیر مستحق باید با حداقل نقض حریم خصوصی باشد. بنابر این اگر حاکم بتواند صرفاً با جمع کل گردش سالانه حساب به استحقاق یک فرد پی‌برد حق ندارد در تک‌تک معاملات او تجسس کند.

و الحمد لله رب العالمين